

گل‌باغ نیاکان

سرزمین آریانا، خراسان و ابدالی که بالاخره در ربع اخیر قرن نوزدهم میلادی با کشیدن خط سیاه دیورند و تثبیت غیر عادلانه سرحدات شمالی با روسیه تزاری در حدود اربعه امروزی به ما به میراث مانده، من آنرا گل‌باغ نیاکان و یا مادر وطن مینامم. این گل‌باغ که با کوه های شامخ، دره ها و سطوح مرتفع زیبا، دریاها و خروشان و وادی های سرسبز، هوای گوارا و مهمان نوازی آن با سرازیر شدن سیاحین و استقبال گرم افغانی از آنها شهرت جهانی کسب نموده بود. از استقرار سلطنت احمد شاه ابدالی (۱۷۴۷) میلادی بنام افغانستان و قطعات و باغچه های مختلفش که متشکل از گل های متنوع با رنگهای مرغوب، عطر های دلکش، قد و قامت های زیبای بخصوص خود با یکدیگر وصل و گلهای آن با هم گره خورده بودند، بنام افغان یاد میشوند.

بلی این سرزمین را رادمردان، تحت سرپرستی باغبانان اصیل از آزادی، استقلال، حاکمیت ملی و ارضی الی آخرین رمق حیات حراست و نگهبانی میکردند. اما با تأسف به مرور زمان تعدادی از باغبانان ناخلف که آب از دریای اغیار می نوشیدند، با خوشخدمتی برای باداران خارجی خود اجازه دادند که تخمهای زهرآگین را در باغچه های زیبای شان پاشیده، نه تنها گلهای مرغوب و معطر افغانی را خشکیده و مضمحل سازند، بلکه برای شان اجازه داده شد که با وارد نمودن طوفانهای سیاه و تاریک دیوارها و باغچه های آنرا ویران و گل‌باغی را که نیاکان برایشان به میراث مانده بودند، ناجوانمردانه یکسره به دشمنان تسلیم و توسط خونخواران و دهشت افگنان (تروریستان) که نه مسلمان و نه افغان بودند، با دریدن قلب و به یغما بردن هست و بود مادر وطن به ماتم سرا و جهنم تبدیل و باردوش جهانیان نیز سازند و تعدادی از گلهای زیبا را که توسط باغبانان اصیل با صرف میلیون ها دالر در داخل و خارج برای باغبانی آینده گل‌باغ نیاکان تربیه شده بودند، در طوفانهای روزگار پیچانیده با تخمه های شان در نقاط مختلف دنیا پاشیدند که در نتیجه در هر کنج و کنار جهان گل‌باغچه هایی با رنگهای متنوع از باغچه های گل‌باغ نیاکان را بنام گل‌باغچه های افغانی اساس گذاری و مجبور به تغذی از منابع اغیار نمودند.

با آنهم دشمنان سوگند خورده را قرار نگرفته، تعدادی دیگری از گلهای هرزه بنام این و آن از گل‌باغچه های نو تشکیل جلا وطن را در مزارع خود تحت تربیه گرفته و در مواقع مختلف برای رسیدن به اهداف شوم شان بنام باغبانها استخدام و سرنوشت گل‌باغ نیاکان را بدست شان دادند و بنام های مختلف زهر را در عوض غذا بین گلها پاشیدند تا رنگ اصلی شان را که عبارت از **هویت افغانی شان است**، بنام های دیگر محو و به تدریج علایق افغانی شانرا که با افغانستان عزیز است بکلی قطع و هر چه دشمنان را آرزو باشد عمل نمایند.

به این معنی که داس ها و قیچی ها را بدست باغبانان ناخلف، فریب خورده و از خودکوش بیگانه پرست سپردند که خود ریشه های گلهای اصیل گل‌باغی را که از نیاکان به میراث برده بودند و حراست آن از وظایف ایمانی، وجدانی، تاریخی و اخلاقی شان بود قطع و هرآنچه آرزوی باداران شان باشد کشت و ثمر آنرا دو دسته برای شان تسلیم نمایند.

هموطنان نهایت عزیز، یعنی گلهای زیبای گل‌باغ نیاکان بدانید که ما و مادر وطن عزیز ما افغانستان در این مقطع زمان در حالت بس مهم و دشوار تاریخی قرار داریم. دشمنان بنام های مختلف چون زبان، قوم، مذهب و این و آن تخم نفاق را بین اقوام (گل‌باغچه های) باهم برابر و برادر میباشند و میخواهند نفوذ و سلطه دایمی خود را از طریق دست نشاندگان خود بنام باغبانان در گل‌باغ نیاکان ما و در منطقه تحکیم و ملت مظلوم و ستمدیده افغان را که فرزندان یک مادر وطن یعنی افغانستان عزیزاند، برای ابد غلام و برده داشته باشند.

درین جاست که ما نباید وظایف ایمانی، وجدانی، اخلاقی و تاریخی خود را در مقابل نوامیس ملی، آزادی، استقلال، حاکمیت ملی و ارضی، شگوفائی و سربلندی مادر وطن خود بیاد فراموشی بسپاریم. نخیر برعکس خود را جدی تکان داده از خواب غفلت برخاسته و قلم را بدست گرفته به جهانیان به خط درشت و صدای رسا صادقانه و صمیمانه ابلاغ بداریم که ما همه فرزندان نیاکان خود **افغانیم** و مادر وطن عزیز ما که **افغانستان** است واز نیاکان بمیراث برده ایم، از ته دل به آن ایمان داریم و میگوئیم:

قومی که سر براه شرف میدهد بیاد در روز امتحان ملل شرمسار نیست (خلیلی)

لهذا از طریق مبارزات مسالمت آمیز و عادلانه الی آخرین رمق حیات آخرین فرد افغان از آن دفاع مینمائیم و با حفظ احترام بدین مقدس اسلام، عنعنات، کلتور و فرهنگ افغانی و ارج گزاردن به منشور ملل متحد و حقوق بشر آزادی

واقعی را در عوض غلامی، عدالت را در عوض بی عدالتی، قانونیت را در عوض بی قانونی، مساوات را عوض نابرابری، دیموکراسی واقعی را در عوض دیموکراسی قلبی، قوای بین المللی و افغانی را در عوض پایگاه نظامی امریکا، نان، لباس و منزل را در عوض توپ، تفنگ و تریاک، باغبانان واقعی افغانی را در عوض باغبانان روسی، امریکایی، ایرانی، پاکستانی و دیگران می‌خواهیم.

ما نمی‌خواهیم دیگر کلمات محیلانه و فریبنده دشمنان را بشنویم. ما از جهان صلح دوست آرزو مندیم که به صدای مظلومانه ملت با شهامت و قهرمان افغان که بنابر وجبیه اسلامی و افغانی مخالف هر نوع عمل غیرانسانی و بشری است و به صلح، آزادی، استقلال و دیموکراسی واقعی و حقوق بشر معتقد است، لیبیک گفته و با دوستی و صمیمیت آن گل‌باغ نیاکان ما را که به حیث عضو سالم و وفادار سازمان ملل متحد بود، در داشتن علم و معرفت بطرف مدنیت امروزی و آینده سوق داده و یک کشور نمونه در منطقه و جهان سازند.

بلی این آرزوی مقدس فرزندان اصیل افغان وقتی برآورده شده میتواند که فرد فرد ملت باشهامت افغان که گل‌های زیبا از گل‌باغ نیاکان قهرمان اند با اعتقاد به اینکه:

مرا مرگ بهتر از این زندگی که سالار باشم کنم بندگی (فردوسی)

دست بدست هم داد، در عوض تفرقه اندازی و پاشیدن نمک بر زخم‌ها و جراحات گذشته متحداً بر آن مرهم بگذارند، اشک‌های یتیمان، بیوه زنان، معلولان و معیوبان را با لطف و نوازش پاک کرده و به روح شهدای راه حق درود بفرستند. با وحدت و همبستگی واقعی بگویند که ما افغان بودیم، افغان هستیم و افغان می‌میریم. بخداوند بی نیاز سوگند یاد میکنیم و به ملل صلح دوست تعهد می‌سپاریم که مشترکاً در راه تحقق صلح و دفاع از آزادی، عدالت، مساوات، قانونیت و احترام به حقوق بشر مطابق هدایات عالی منشور ملل متحد عمل مینمائیم و به هیچ قدرتی اجازه نخواهیم داد که بنام این و آن، مادر وطن عزیز ما را در قید یوغ استعماری خود داشته باشد.

برای رسیدن به این مرام عالی وظیفه همه هموطنان عزیز لقدر مخصوصاً جوانان امروزی و آینده نسل افغان خواهد بود که با استفاده از فرصت در داشتن علم و معرفت با تاریکی بیدانشی و جهالت مبارزه نمایند یعنی، ملت درد دیده و بلا کشیده ما را که در سیاهی بی علمی و بی دانشی دست به گریبان اند، با قلم و کتاب در عوض تفنگ و تریاک آشنا سازند و ثابت سازند که چون باغبانان واقعی و دانشمند میتوانند به همکاری و پشتیبانی کشورهای صلح دوست و بشر دوست تحت سرپرستی سازمان ملل متحد، گل‌باغ نیاکان خود را آزاد و شکوفان سازند.

زیبا وطنم جنت دنیا وطنم
من جز تو دگر نام نیارم بر لب
ای غرقه خون و اشک تنها وطنم
ایوا وطنم دا وطنم دا وطنم (خلیلی)

بلی بخداوند متعال سوگند یاد میکنیم که بگانه راه نجات مادر وطن و شکست دشمنان سوگند خورده تاریخی، آموختن علم است که خداوند (ج) آنرا بر بشر فرض گردانیده و تأکید میکنیم که مادر وطن را از بدبختی‌های موجود، جز عالمان و دانشمندی با درد، پاک، صادق، با احساس و وطن‌دوست کسی دیگر آزاد، سربلند و شکوفان حفظ نمیتواند.

بناءً این وظیفه تاریخی، اسلامی و افغانی والدین گرامی امروز و فردا خواهد بود که نور چشمان و ارجمندان خود را با لباس علم و دانش آراسته و برای شان درس وحدت، برادری، اخوت، اخلاق حمیده همیشگی و وطن‌دوستی را بیاموزند تا به لطف و مرحمت ایزد متعال بعد از آزادی وطن همه فرزندان و نورچشمان هم وطن به شمول فرزندان خودم، بخیر و عافیت به حیث باغبان واقعی مجهز به علم و معرفت به مادر وطن برگشته، گل‌باغ نیاکان را که به خرابه‌ای تبدیل شده مجدداً گل‌باغی سازند که نه تنها مایه شادمانی روح نیاکان و شهدای راه حق باشد تا که افتخار و سربلندی فرد فرد نسل‌های امروزی و فردای افغانستان و جهانیان نیز باشد. یعنی با زحمات خستگی ناپذیر و متداوم گل‌باغ نیاکان را از قید یوغ اجانب آزاد و گل‌ها و گل‌باغچه‌های آنرا چنان پرورش دهند که برای همیشه شگوفان، زیبا، معطر، سربلند و سرافراز در جهان باشند.

در پایان کلام پیام من برای نسل‌های جوان امروز و فردای افغانستان خطاب مرحوم «استاد خلیل الله خلیلی» به اولاد میهن است که فرموده اند:

پسرم چشم وطن سوی تو باز است هنوز
مملکت را بتو صد گونه نیاز است هنوز
قوم را جانب تو دست دراز است هنوز
فرصت خدمت تو دور و دراز است هنوز